

دوگان‌سازی در زبان ترکی^۱

رضا امینی*

دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران/
گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران^۲

پذیرش: ۹۲/۳/۲۹

دریافت: ۹۱/۱۲/۳

چکیده

دوگان‌سازی پدیده‌ای زبانی است که برخی از انواع آن در همهٔ زبان‌ها دیده می‌شوند و برخی دیگر تنها در برخی زبان‌ها. در پژوهش حاضر به بررسی پدیدهٔ دوگان‌سازی در زبان ترکی، به‌ویژه گونه‌ای از دوگان‌سازی ناقص، می‌پردازیم. با توجه به داده‌ها و در ارتباط با پرسش نخست پژوهش، می‌توانیم بگوییم که دوگان‌سازی کامل در زبان ترکی و آن دوگان‌سازی که در دستور سنتی زبان فارسی بدان اتباع گفته می‌شود، عملکرد و سازوکاری مشابه دارند. پرسش دوم پژوهش به گونه‌ای از دوگان‌سازی ناقص در زبان ترکی مربوط است. در این نوع دوگان‌سازی برخی از عناصر آغازی واژه از آن جدا می‌شوند و پس از گرفتن واج مشخصی، دوباره به پایه افزوده می‌شوند و باعث گونه‌ای تغییر معنایی در پایه می‌شوند که بیشتر بر معنای پایه یا تشدید آن تأکید می‌شود. در این مقاله، برای پاسخ‌گویی به پرسش دوم پژوهش، با توجه به واجی که بین بخش دوگان‌سازی شده و پایه قرار می‌گیرد، فرمول‌هایی برای تبیین فرایند دوگان‌سازی ناقص، مورد نظر قرار دادیم و با توجه به مجموع این فرمول‌ها، فرمول کلی‌تری ارائه کردیم. داده‌ها نشان می‌دهند که افزون بر محیط آوایی و واجی، برای تبیین قطعی دلیل قرار گرفتن واجی خاص میان بخش دوگان‌سازی شده و پایه، باید به عوامل زبانی دیگری، چون سطح زبرزنجیری زبان، توجه کرد.

واژگان کلیدی: زبان ترکی، دوگان‌سازی کامل، دوگان‌سازی ناقص، بخش دوگان‌سازی شده، بخش پایه.

۱. مقدمه

دوگان‌سازی^۳ از جمله پدیده‌هایی است که در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. افزون بر پژوهش‌هایی که دربارهٔ سطوح معنایی، واجی، ساخت‌واژی و ... این

دوماهنامه جستارهای زبانی
شماره ۳ (پیاپی ۱۹)، مهر و آبان ۱۳۹۳، صص ۲۷-۵۴



پدیده انجام شده است، این پدیده به این دلیل نشان دادن ارتباط سطوح مختلف واجی، ساخت‌واژی، نحوی، معنایی و عملکرد هم‌زمان و هم‌پوشانی آن‌ها مورد توجه پژوهشگران است (Frampton, 2009, Inkelas and Zoll, 2005, Botha, 1988). در پدیده دوگان‌سازی به فرایند «کپی کردن» به‌طور خاص توجه می‌شود. این توجه باعث طرح این پرسش شده است که این فرایند چگونه روی می‌دهد و چه سازوکاری دارد. برخی از پژوهشگران این پدیده را با چگونگی نگارش ژن‌ها روی آر‌ان‌آها مقایسه کرده‌اند:

در ساده‌ترین حالت، یک ژن حاصل یک توالی طولانی دی‌ان‌آ است. ... نگارش ژن‌ها فرایندی دومارحله‌ای است. نخست «نشانگر^۱» که به آن «عامل نگارش^۲» گفته می‌شود به سی‌ان‌آ در آغاز ژن وصل می‌شود، تا مکانی را که نگارش باید از آنجا آغاز گردد مشخص نماید. در اصل، [می‌توان گفت] عامل نگارش یک «اشاری مولکولی^۱» است. در مرحله دوم، نگارش که از خود نشانگر آغاز می‌شود، اتفاق می‌افتد. افزوده شدن نشانگر به سی‌ان‌آ و مشخص کردن مکان شروع نگارش و نگارش سی‌ان‌آی نشانگرگرفته سازوکارهای مستقلی هستند که سیستم‌های بیولوژیکی متفاوتی مسئول آن‌ها هستند (Frampton, 2009: 4).

بر مبنای چنین مقایسه‌ای، برای نشان دادن اینکه دوگان‌سازی و فرایند کپی‌کردن نیز فرایندهایی چندمرحله‌ای هستند تلاش می‌شود (Ibid). شاید بر پایه همین اشارات مختصر به این نتیجه برسیم که بررسی دوگان‌سازی و سازوکارهای دخیل در آن کاری جزئی است که نیازمند نگاه علمی خاص است.

خوشبختانه در ایران، در چند دهه‌ای که از شکل‌گیری و رشد زبان‌شناسی می‌گذرد، پژوهش‌های بسیاری درباره جنبه‌های مختلف زبانی و غیر زبانی زبان فارسی و زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های ایرانی دیگر انجام شده است؛ اما با توجه به رشد سریع علم زبان‌شناسی در سال‌های اخیر در کشورمان، به نظر می‌رسد این نیاز هم وجود دارد که درباره برخی پدیده‌های زبانی که در زبان فارسی یا زبان‌های ایرانی دیگر دیده نمی‌شوند یا زبان‌های دیگری که سازوکاری متفاوت یا سویه‌های ناشناخته‌تری برای پژوهشگران ایرانی دارند، پژوهش‌هایی انجام شود؛ زیرا هرچه پدیده‌ها و داده‌های متفاوت‌تر و بیشتری را بررسی کنیم، میزان تبیین‌هایمان در پژوهش‌های دیگر، به‌ویژه پژوهش‌هایی که درباره زبان فارسی انجام می‌دهیم،

مستحکم‌تر و دقیق‌تر خواهد بود. با چنین دغدغه‌ای، در این مقاله کوشیده‌ایم پدیدهٔ دوگان‌سازی، به‌ویژه گونه‌ای از دوگان‌سازی ناقص، در زبان ترکی را بررسی کنیم. پرسش‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

۱. پدیدهٔ دوگان‌سازی در زبان ترکی چه ویژگی‌هایی دارد؟
۲. برای تبیین نوع خاص دوگان‌سازی ناقص در ترکی باید به چه سازوکارهای زبانی توجه کنیم؟

۲. پیشینهٔ پژوهش

برخی از پژوهشگران دوگان‌سازی را فرایند (اندرسون ۱۹۹۲، کریر دونکان ۱۹۸۴) و برخی دیگر (Marantz, 1982) وندافزادانسته‌اند. در فرهنگ زبان و زبان‌شناسی راتلیج گفته می‌شود که دوگان‌سازی «تکرار هجاهای نخست ریشه، با یا بدون تغییر در آواها، برای بیان مقوله‌ای ساخت‌واژی است ...» (Bussmann, 1996).

پدیدهٔ دوگان‌سازی در رویکردهای مختلف زبان‌شناسی نیز مورد توجه قرار گرفته است و در هر رویکرد هم تحلیل‌ها و تبیین‌های مختلفی از این پدیده ارائه شده است. پژوهشگرانی که برای پدیدهٔ ساخت‌واژی دوگان‌سازی تحلیل زایشی ارائه کرده‌اند را می‌توان اساساً به دو گروه تقسیم کرد: آن‌هایی که فرایند دستوری دوگان‌سازی را معرفی یک جزء ساخت‌واژی^{۱۱} (به بیان دیگر، یک وند) می‌دانند و آن‌هایی که دوگان‌سازی را یک فرایند ساخت‌واژی می‌دانند (به بیان دیگر، فرایندی که یک ستاک را تغییر می‌دهد) (Haugen, 2008: 33).

مارانتز (1982) و مک‌کارتی و پرینس (1993, 1995) از جمله کسانی هستند که به دیدگاه نخست باور دارند، و استونهام (1994) از جمله کسانی است که بر مبنای دیدگاه دوم به دوگان‌سازی می‌نگرد (Ibid). برخی پژوهشگران نیز اشاره کرده‌اند که «هیچ چیز طبیعی‌تر از آن نیست که ببینیم فرایند دوگان‌سازی یا به بیان دیگر تکرار تمام یا بخشی از عنصر ریشه‌ای در همهٔ زبان‌ها رواج دارد» (ساپیر، ۱۳۷۶). از نظر او شاخص‌ترین نوع دوگان‌سازی این است که تنها بخشی از عنصر ریشه‌ای تکرار می‌شود. ساپیر همچنین اشاره می‌کند که دوگان‌سازی ناقص از عناصر ریشه‌ای در بسیاری از زبان‌های دنیا دیده می‌شود؛ درحالی‌که به نظر نمی‌رسد این نوع دوگان‌سازی با فکر افزایش، تکرار و تداوم، رابطه‌ای داشته باشد.



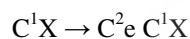
«از این لحاظ، این نوع دوگان‌سازی حتی بسیار کارآمدتر از دوگان‌سازی کامل به شمار می‌آید» (همان: ۳-۱۲۲). بلومفیلد دوگان‌سازی را مانند وندی می‌داند که از تکرار بخشی از صورت زیرساختی حاصل می‌شود (بلومفیلد، ۱۳۷۹: ۱۲۵). او به ابعاد گوناگون دوگان‌سازی و اینکه صورت دوگان‌سازی شده ممکن است به شیوه‌های قابل پیش‌بینی با کلمه زیرساختی تفاوت آوایی داشته باشد اشاره می‌کند.

اسپنسر پس از اینکه اشاره می‌کند که یک هجا یا کل ریشه ممکن است دوگان‌سازی شود، می‌گوید:

اگر ما به دوگان‌سازی در زبان‌های جهان نگاهی بیندازیم، در وهله نخست می‌بینیم که این پدیده دارای انواع گوناگونی است. دوگان‌سازی در سمت چپ ریشه به مثابه یک پیشوند، در سمت راست به مثابه یک پسوند و در داخل ریشه به مثابه یک میانوند عمل می‌کند. ماده دوگان‌سازی شده هم می‌تواند یک واژه کامل، یک تکواژ کامل، یک هجا یا توالی هجاها یا فقط زنجیره‌ای از واژه‌ها و همخوان‌ها باشد که لزوماً هیچ سازه نوایی خاصی، به بیان دیگر هجا، فوت، تکواژ و غیره را نمی‌سازد (Spenser, 1991: 150).

اسپنسر دلیل توجه زیاد واج‌شناسان و ساخت‌واژه‌شناسان زایشی به دوگان‌سازی در سال‌های اخیر را «غیر پیوسته بودن»^{۱۲} دوگان‌سازی و در نتیجه تلویحات مهم آن برای نظریه‌های خودواحد^{۱۳} واج‌شناسی و ساخت‌واژه می‌داند. از سوی دیگر، به دلیل اینکه دوگان‌سازی دو بعد ساخت‌واژی و واج‌شناختی دارد، تعامل ساخت‌واژه و واج‌شناسی در رابطه با دوگان‌سازی مورد توجه قرار گرفته است.

بائر دوگان‌سازی کامل را مانند فرایند ترکیب می‌داند. به باور او، با توجه به همخوان‌ها، واژه‌ها، هجاها و صورت‌های واژگانی یک قاعده دوگان‌سازی، می‌توان گفت که چه مقدار از پایه دوگان‌سازی خواهد شد (Bauer, 1988: 25-26). متیوز (1991) دوگان‌سازی ناقص در یونانی باستان را با فرمول زیر نشان داده است:



در فرمول بالا، C^1 با C^2 یکی است و عنصر دوگان‌سازی شده است که در اینجا همخوان آغازی پایه است. e عنصر ثابتی است که پس از عنصر دوگان‌سازی شده قرار می‌گیرد. البته در موارد بسیاری دوگان‌سازی بدون هرگونه عنصر ثابتی صورت می‌گیرد. X پایه‌ای است که دوگان‌سازی در مورد آن انجام گرفته است. متیوز دوگان‌سازی کامل را با فرمول زیر

نشان داده است:

$$X \rightarrow X + X$$

در ایران نیز پژوهش‌هایی دربارهٔ دوگان‌سازی، فرایند تکرار و اتباع انجام شده است. شقاقی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای به نام «فرایند تکرار در زبان فارسی» اشاره می‌کند که در اغلب منابع مربوط به واژه‌سازی، بیشتر دو فرایند اشتقاق و ترکیب بررسی شده است؛ اما در هیچ منبعی فرایند تکرار به‌عنوان فرایندی مستقل مطرح نشده است و تنها ضمن اشاره به کلمات مرکب، از این ساخت نام برده شده است. وی به نقل از آرونوف (1976)، می‌گوید: «فرایند تکرار از قواعد ساخت‌واژه نیست و نمی‌توان آن را یک قاعدهٔ واجی محسوب کرد؛ زیرا هیچ‌یک از انواع این فرایند، مقید به بافت آوایی خاصی نیستند» (شقاقی، ۱۳۷۹: ۵۲۰). وی نیز بر این باور است که «وندهای دوگانی» صورت آوایی ثابتی ندارند. شقاقی و حیدرپور بیدگلی (۱۳۹۰) فرایند تکرار را بر پایهٔ رویکرد نظریهٔ بهینگی در مورد واژه‌های مکرر فارسی بررسی کرده‌اند. کلباسی (۱۳۷۱) در کتاب *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*، به تکرار یا دوگان‌سازی هم توجه کرده است. او به دوگان‌سازی کامل با عنوان «مکرر» اشاره کرده است و در تعریف آن می‌گوید: «مکرر، به گروهی از کلمات مکرر گفته می‌شود که در آن‌ها کلمه‌ای همراه با عنصر پیوندهٔ «و» /o/ یا بدون آن عیناً تکرار می‌گردد» (کلباسی، ۱۳۷۱: ۶۶). او همچنین در مورد اتباع که گونه‌ای از دوگان‌سازی ناقص است، می‌گوید:

«اتباع» به گروهی از کلمات مرکب گفته می‌شود که از دو جزء تشکیل شده‌اند که یکی از آن اجزاء بدون معنی است و یا در غیر معنی اصلی خود به کار می‌رود. جزء اصلی را «پایه» و جزء بدون معنی را «تابع» می‌نامند ... «اتباع» مخصوص زبان محاوره است و در دستورهای سنتی آن را «مهملات» و یا «ترکیبات عامیانه» نامیده‌اند ... (همان: ۶۷-۶۸).

کلباسی در مقالهٔ دیگری با نام «ساخت آوایی اتباع در زبان فارسی» (۱۳۵۸)، اتباع را در زبان فارسی بررسی کرده است. محمودی بختیاری و تاج‌آبادی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با نام «مقولهٔ «اتباع» در لغت‌نامهٔ دهخدا (یک بررسی مجدد)»، مدخل‌هایی را که در لغت‌نامهٔ دهخدا برای آن‌ها ساخت اتباع در نظر گرفته شده است، استخراج کرده‌اند و آن‌ها را از دیدگاه زبان‌شناسی بررسی کرده‌اند.

در دستور زبان‌هایی که برای زبان ترکی نوشته شده است، معمولاً با ارائهٔ نمونه‌هایی به‌سادگی و بدون ارائهٔ تبیین خاصی به دوگان‌سازی پرداخته شده است. گُوسکل و کرسلیک

با بررسی فرایند دوگان‌سازی در ترکی، آن را به سه دسته تأکیدی^۴، ام^۵ و دوتایی‌سازی^۶ تقسیم کرده‌اند (Göksel & Kerslake, 2005: 91). منظور از دوگان‌سازی تأکیدی دوگان‌سازی ناقص صفت‌ها و قیدها است که مورد توجه خاص این پژوهش است، منظور از دوگان‌سازی ام، دوگان‌سازی است که به آن اتباع گفته می‌شود و در بخش تحلیل داده‌های این پژوهش بدان اشاره کردیم و منظور از دوتایی‌سازی، دوگان‌سازی کامل است. خوشبختانه پژوهش‌هایی در دانشگاه‌های ایران درباره زبان ترکی انجام شده است؛ برای نمونه وزین‌پور (۱۳۴۵) در رساله دکتری خود در دانشگاه تهران صرف افعال در زبان ترکی را بررسی و با فارسی مقایسه کرده است، صادقی نیارکی (۱۳۷۴) وندهای تصریفی و اشتقاقی را در زبان ترکی بررسی کرده است و حیدری و روحی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای قلب نحوی را در زبان ترکی بر مبنای مدل کاوشگر-هدف برنامه‌کمینه‌گرایی بررسی کرده‌اند. تا جایی که جست‌وجوهای نگارنده نشان می‌دهد، در این پژوهش‌ها یا به دوگان‌سازی کامل و ناقص^۷ در زبان ترکی توجهی نشده است و یا تنها به اشاره کوچکی بسنده شده است؛ برای نمونه، حسین‌زاده آزاد در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، دوگان‌سازی ناقص مورد نظر این پژوهش را به نقل از کورنفیلت (1989) تنها پیشوند زبان ترکی معرفی کرده است و دو واژه Bomboş و Gapgara را برای آن نمونه آورده است (حسین‌زاده آزاد، ۱۳۸۲: ۱۵). به نظر می‌رسد که انجام پژوهشی در این زمینه می‌تواند به معرفی بهتر دوگان‌سازی به پژوهشگران ایرانی و ارائه تبیین‌های دقیق‌تر برای پدیده‌ها و فرایندهای زبان فارسی و زبان‌های ایرانی دیگر یاری رساند.

۳. پایه نظری پژوهش

در این پژوهش، به پدیده توصیفی و تحلیلی دوگان‌سازی در زبان ترکی، به‌ویژه گونه‌ای از دوگان‌سازی ناقص می‌پردازیم و می‌کوشیم در هر مورد، بر مبنای ارائه داده‌ها و توصیف‌های دقیق، برای فرایند مورد نظر فرمولی ارائه دهیم. گفتنی است که برای ارائه تصویر روشن‌تری از دوگان‌سازی ناقص، در هر مورد با توجه به پژوهش‌های مارانتز درباره دوگان‌سازی، اشتقاق یکی از داده‌های هر بخش را نیز ارائه خواهیم کرد؛ اما با توجه

به اینکه در این مقاله به دنبال تبیین واج‌شناختی دوگان‌سازی در زبان ترکی نیستیم و تنها به تحلیل و توصیف ساخت‌واژی آن توجه داریم، وارد تحلیل و تبیین واج‌شناختی موضوع نمی‌شویم؛ زیرا این کار نیازمند انجام پژوهش دیگری است.

مارانتز باور دارد با اینکه به لحاظ واج‌شناختی، نند دوگان‌سازی شده^{۱۸} به پایه خود وابسته است، در فرایند دوگان‌سازی ممکن است متحمل تحولاتی شود که آن را در ساخت دوگان‌سازی شده نسبت به پایه خود متفاوت کند (Marantz, 1994: 3486). به باور او، بخش دوگان‌سازی شده در کل یا جزء به پایه‌ای وابسته است که به آن افزوده شده است؛ برای نمونه، در زبان آگتا^{۱۹} صورت جمع با دوگان‌سازی هجای آغازی پایه ساخته می‌شود:

takki (پا) ⇒ taktakki (پاها)

مارانتز اشتقاق زیر را برای مثال بالا ارائه داده است. در این اشتقاق، چگونگی جدا شدن بخش دوگان‌سازی شده و افزوده شدن آن به بخش پایه و تشکیل واژه نهایی که در آن دوگان‌سازی اتفاق افتاده است، نشان داده شده است:

$$\begin{array}{cccc} \text{takki} & \text{takki} & \text{takki} & \text{taktakki} \\ \text{cvc} + \text{||||} & \Rightarrow & \text{|||} + \text{||||} & \Rightarrow \text{|||||||} \\ \text{cvccv} & & \text{cvc} & \text{cvccvccv} \end{array}$$

مارانتز نیز دوگان‌سازی را به دو گونه کامل و ناقص تقسیم کرده است. به باور او، دوگان‌سازی اغلب برای بیان معنی به کار می‌رود.

در اسمها دوگان‌سازی اغلب نشانگر جمع^{۲۰} است و در فعلها اغلب نشانگر تکرار یا شدت؛ اما با نگاهی مرکز‌گذر متوجه می‌شویم که وندهای دوگان‌سازی شده می‌توانند هر نقشی را که یک وند بر عهده دارد بازی کنند؛ بنابراین تا آنجا که به نقش ساخت‌واژی دوگان‌سازی مربوط است، دوگان‌سازی را نمی‌توان از دیگر صورت‌های وندافزایی متمایز کرد (Ibid).

مارانتز باور دارد که برای تبیین فرایند دوگان‌سازی، نیازمند توجه به تعاملی هستیم که در دوگان‌سازی بین ساخت‌واژه و واج‌شناسی برقرار است (Marantz, 1982). به باور او، در دوگان‌سازی فرایند کپی کردن به واج‌شناسی نوایی واژه‌ها بستگی دارد و به‌طور مستقیم با ساخت ساخت‌واژی درونی آنها مرتبط نیست. الگوی پیشنهادی مارانتز با تغییرات و تعدیل‌هایی روبه‌رو بوده است که بحث درباره آنها از حوصله این نوشته بیرون است (Spenser, 1991).



۴. تحلیل داده‌های پژوهش

در این بخش، داده‌های پژوهش را بررسی و تحلیل می‌کنیم؛ اما پیش از تحلیل داده‌ها، زبان ترکی را به کوتاهی معرفی می‌کنیم و برخی از ویژگی‌های دستوری اصلی آن را توضیح می‌دهیم. داده‌های این پژوهش از متون مختلف زبان ترکی یا گفت‌وگو با کسانی که این زبان را می‌دانند، به دست آمده است. دوگان‌سازی مورد نظر این مقاله فرایند چندان زایایی نیست؛ به گونه‌ای که شمار داده‌های مربوط به آن در زبان ترکی چندان زیاد نیست و بیشتر آن‌ها در پیوست‌های برخی از دستور زبان‌های ترکی فهرست شده است. در برخی از گونه‌های زبان ترکی، از جمله برخی از گونه‌های ترکی ایران، این فرایند کاملاً زایایی خود را از دست داده است. گفتنی است داده‌های این پژوهش را از ترکی استانبولی برگزیده‌ایم و در مواردی، با هدف روشن‌تر شدن بحث، داده‌هایی از گونه‌های ترکی ایرانی را نیز در زیرنویس‌ها آورده‌ایم.

۴-۱. مروری کلی بر زبان ترکی

زبان ترکی در شاخه جنوب غربی خانواده زبانی آلتایی جای دارد. این زبان گونه‌های گوناگونی دارد. گونه ترکی کشور ترکیه بر پایه گویش اُغوز ترکان سلجوقی استوار است. فارسی، زبان رسمی و عربی، زبان دین و آموزش حکومت سلجوقی بود؛ اما از اواسط قرن پانزدهم به بعد، با استقرار ترک‌ها در استانبول، ترکی رفته‌رفته زبان رسمی و ادبی شد و گونه استانبولی آن که زبان افراد باسواد بود، گسترش یافت. در دوران معاصر، در ترکیه تلاش‌هایی برای ساده‌سازی زبان نوشتاری، تغییر الفبای عربی به لاتین و پاک‌سازی آن از واژه‌های بیگانه انجام شده است (Tekin, 1994, Nameth, 1962, Kornfilt, 1997, Lewis, 2000). با وجود تمام این تلاش‌ها، هنوز بخش بزرگی از واژه‌های ترکی استانبولی از زبان‌های عربی، فارسی، فرانسه و انگلیسی گرفته شده است. در همه کتاب‌های دستوری معتبری که درباره دستور زبان ترکی استانبولی و حتی ترکی عثمانی (Redhouse, 1884) نوشته شده است، به تأثیر گسترده زبان فارسی و عربی بر زبان ترکی اشاره شده است. داده‌های این پژوهش نیز به خوبی شمار بالای واژه‌های فارسی در این زبان را نشان می‌دهند.

ترکی از نظر ساخت‌واژی، زبانی پیوندی^{۲۱} است و برای ساختن واژه‌های جدید یا بیان روابط دستوری، تنها از پسوندها بهره می‌گیرد. در واژگان قرضی این زبان، شمار اندکی پیشوند قرضی نیز دیده می‌شود که در زبان ترکی کاربرد زایا ندارند؛ مانند *gayrimüslim* (غیرمسلمان)، *antidemokratik* (غیردموکراتیک) و *natamam* (ناتمام) (Sebüktekin; *Ibid*) 1971: 20). به این موارد باید نوعی دوگان‌سازی ناقص را نیز بیفزاییم که در مورد دسته‌ای از صفت‌های ترکی عمل می‌کند که به آن‌ها *pekiştirme sıfatları*^{۲۲} گفته می‌شود. این گونه از دوگان‌سازی، به میزان بسیار کمتری، در مورد برخی از قیده‌ها نیز عمل می‌کند. از ویژگی‌های عمده دیگر زبان ترکی مرز مشخص میان تکواژها و هماهنگی واکه‌ای^{۲۳} در آن است. در این زبان تمام واکه‌های یک واژه با واکه نخست آن هماهنگ می‌شوند. پسوند جمع در ترکی *lar/ler* است؛ برای نمونه، *ev-ler* (خانه‌ها) و *sakal-lar* (خیابان‌ها). اسم‌ها در زبان ترکی شش حالت فاعلی^{۲۴} (بدون وند)، مفعولی^{۲۵} (*evi* «خونیه»)، ملکی^{۲۶} (*evin* «برای خونیه»)، به‌ای^{۲۷} (*eve* «به خونیه»)، دری^{۲۸} (*evde* «در خونیه») و ازی^{۲۹} (*evden* «از خونیه») دارند (Tekin, *Ibid*). پسوند بی‌تکیه *-mi/-ma-* پسوند منفی‌ساز زبان ترکی است؛ برای نمونه، *seviyorum* (دوست دارم) و *sevmiyorum* (دوست ندارم). آرایش واژگانی^{۳۰} بی‌نشان^{۳۱} ترکی SOV است؛ مانند *babam (S) evi (O) sattı (V)* (بابام خانه را فروخت). در زبان ترکی، صفت پیش از اسم قرار می‌گیرد و این زبان ضمائر موصول ندارد.

۵. دوگان‌سازی در زبان ترکی

در زبان ترکی، دو نوع دوگان‌سازی کامل و ناقص وجود دارد. این فرایند ساخت‌واژی در واژه‌سازی^{۳۲} و ساخت سازه‌های ترکی نقش مهمی دارد (Sebüktekin, 1971). در این بخش، نخست دوگان‌سازی کامل و سپس دوگان‌سازی ناقص را بررسی خواهیم کرد؛ اما بیشتر به دوگان‌سازی ناقص توجه می‌کنیم. چنانکه گفتیم، داده‌های پژوهش را از ترکی استانبولی گرفته‌ایم و در مواردی، در متن یا زیرنویس‌های مقاله از داده‌های ترکی‌های رایج در ایران هم استفاده کرده‌ایم. خط ترکی استانبولی آوانگار^{۳۳} است و خواندن آن بسیار آسان؛ تنها باید موارد زیر را بشناسیم: Ç=چ، Ş=ش، Ğ=ا، Ğ=ع، C=ج.



۱-۵. دوگان‌سازی کامل در زبان ترکی

گاهی در ترکی، یک واژه یا تکواژ آزاد به‌طور کامل تکرار می‌شود و معنا را تقویت می‌کند. در این زبان، مانند هر زبان دیگری، از این‌گونه ترکیبات که نمود دوگان‌سازی کامل هستند، فراوان ساخته می‌شود^۴:

1. sık sık «پی‌درپی / مداوم»
2. az az «کم‌کم»
3. bir bir «یکی‌یکی»
4. sepet sepet kırazlar/ elmalar «سبدسبد گیلاس / سیب»
5. paket paket kitaplar «چندین پاکت کتاب»
6. avuç avuç su «مشت‌مشت آب»
7. düzgun düzgun çatılar «پشت‌بام‌های خیلی زیبا»
8. yüksek yüksek tepeler «تپه‌های بلند بلند»
9. tatlı tatlı kovunlar «خربزه‌های شیرین شیرین / خوشمزه خوشمزه»
10. pırıl pırıl oldu. «درخشان درخشان شد.»
11. tatlı tatlı konuşmak «حرف‌های شیرین شیرین / دلنشین»
12. uzun uzun anlattım «با تفصیل / با خیال راحت توضیح بدهم»
13. çocuk ağlaya ağlaya gitti. «بچه در حال گریه آمد.»
14. demet demet çiçekler «چندین دسته گل»

در داده‌های بالا، در مواردی که ساخت دوگان‌سازی شده پیش از اسم آمده است (در موارد ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹)، این ساخت نقش صفت و در مواردی که پیش از فعل آمده است (موارد ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳)، این ساخت نقش قید را بر عهده دارد. در مواردی چون ۱۳، پایه ساخت دوگان‌سازی شده به‌تنهایی کاربردی ندارد و تنها به صورت دوگان‌سازی شده به کار می‌رود. در داده‌های بالا، فرایند تکرار مورد توجه ما است و در هر مورد، دوگان‌سازی موجب تقویت معنی شده است. در نمونه شماره ۴، واژه sepet به معنی «سبد»، دوگان‌سازی شده است و معنای «چندین سبد / سبدهای پی‌درپی» یافته است؛ بنابراین معنای پاره‌گفتار شماره ۴ «چندین سبد گیلاس / سیب» یا «سبدهای پی‌درپی گیلاس / سیب» است. معنای

پاره‌گفتار ۱۴، «چندین دسته گُل» است که بر معنای دوگان‌سازی واژه demet به معنای «دسته» صورت گرفته است.^{۳۰}

در ترکی، دوگان‌سازی از نوع معروف به اتباع در زبان فارسی (نک. انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۵) نیز دیده می‌شود؛ بدین معنی که یک پایه به‌طور کامل تکرار می‌شود و آوایی نیز بدان افزوده می‌شود (موارد ۱ و ۲) یا در مواردی همخوان نخست پایه در صورت دوگان‌سازی شده دگرگون می‌شود (مورد ۳):

1. **abuk sabuk** sözler «حرف‌های چرت و پرت»

2. **abuk sabuk** konuşmak «پرت و پلا گفتن»

3. **şöyle böyle** «اینجوری مینجوری»

نکته دیگر در مورد دوگان‌سازی کامل در ترکی و زبان‌های دیگر این است که گاه فرایند دوگان‌سازی باعث تغییر مقوله واژه پایه می‌شود؛ برای نمونه، واژه gıcır در ترکی یک نام‌آوا و به معنای «جیرجیر» کردن است. فرایند دوگان‌سازی باعث می‌شود که این واژه به یک قید تبدیل شود؛ بنابراین gıcır gıcır به معنای «همانند صدای جیرجیر» است. واژه horul نیز به معنای «خروپف کردن» است که پس از دوگان‌سازی (horul horul) تبدیل به قیدی به معنای «همانند خروپف» می‌شود (Kornfilt, 1997: 516- 517).

در ترکی تقریباً هر واژه‌ای از هر مقوله زبانی را می‌توان با تغییر آوای نخست کلمه به /m/ دوگان‌سازی کرد. این‌گونه ساخت‌های دوگان‌سازی شده معمولاً به چیزی، فرایندی، عملی، حالتی و امثال آن اشاره می‌کنند. در زیر نمونه‌هایی از این‌گونه دوگان‌سازی در ترکی را ارائه می‌کنیم:

1. sevmek **mevmek** «دوس داشتن موس داشتن»

2. çuval **muval** «گونی مونی»

3. tahta **mahta** «تخته مخته»

4. kapı **mapı** «دَر مر»

5. bahar **mahar** «بهار مهار»

6. hacı **macı** «حاجی ماجی»

7. güzel **müzel** «قشنگ مشنگ»

8. «پایین مابین» *etek metek*

قاعدهٔ بالا در مورد واژه‌هایی که با همخوان /m/ آغاز می‌شوند، عمل نمی‌کند. چنین واژه‌هایی را نمی‌توان مانند نمونه‌های بالا دوگان‌سازی کرد؛ برای نمونه، واژه‌های *marş* (سرود)، *mermi* (گلوله) و *mendil* (دستمال) را نمی‌توان به صورت **marş marş**، **mendil mendil** و **mermi mermi** دوگان‌سازی کرد و صورت اتباع ندارند.^{۳۶} نکتهٔ دیگری که با دقت کردن در داده‌های اخیر مشخص می‌شود این است که چنانچه واژه‌ای با واکه آغاز شود (نمونهٔ ۸)، دیگر مانند واژه‌هایی که با همخوان آغاز می‌شوند در صورت دوگان‌سازی شدهٔ واج نخست به /m/ تبدیل نمی‌شود؛ بلکه /m/ به آغاز بخش دوم صورت دوگان‌سازی شده افزوده می‌شود. نکتهٔ مهم دیگر این است که «در بیشتر موارد صورت دوگانی^{۳۷} بلافاصله پس از واژه‌ای می‌آید که آن را دوگان‌سازی کرده است. تنها استثنای [این قاعده] ترکیب‌های اسمی^{۳۸} هستند که در آن‌ها همهٔ ترکیب تکرار می‌شود؛ اما تنها بخش نخست آن متحمل دوگان‌سازی می‌شود» (Göksel & Kerslake, 2005: 91-92).

Ben adam *tarıhhocasımıř marıh hocasıymıř* anlamam. Fransız tarihını ondan daha ıyı biliyorum.

«برای من مهم نیست که اون معلم تاریخ ماریخ باشه. من بیشتر از اون دربارهٔ تاریخ

فرانسه می‌دونم.»

۲-۵. دوگان‌سازی ناقص در زبان ترکی

در زبان ترکی، در صفت‌های تأکیدی که پیشتر به آن‌ها اشاره کردیم و در شمار بسیار کمتری از قیده‌ها، CV یا V آغازی پایه با یکی از همخوان‌های p, m, s, r یک CV یا VC می‌سازد و به آغاز پایه افزوده می‌شود^{۳۹}؛ از این رو، با توجه به هریک از این همخوان‌ها، دوگان‌سازی ناقص را در چهار بخش بررسی می‌کنیم.^{۴۰} نگارنده معنای همهٔ داده‌ها و ساخت‌های دوگان‌سازی شده را در فرهنگ ترکی-انگلیسی آکسفورد (Hony, 1967) بررسی کرده است و در مواردی که ساخت دوگان‌سازی شده در فرهنگ واژگان ثبت شده است، برابر فارسی آن را آورده است. در مواردی که معنای ساختی در متن اصلی مقاله داده نشده

است، ساخت دوگان‌سازی‌شده در فرهنگ واژگان ثبت نشده است. اهمیت این موضوع در این است که به نظر می‌رسد در مواردی که یک ساخت دوگان‌سازی‌شده در فرهنگ واژگان ثبت شده است، فرایند دوگان‌ساز سازنده آن از زایایی کمتری برخوردار است و به همین دلیل پایه و ساخت دوگان‌سازی‌شده، هر دو در فرهنگ واژگان ثبت شده‌اند.

۱-۲-۵. دوگان‌سازی CV یا V آغازی + P

این دوگان‌سازی را نخست با توجه به واژه‌های زیر بررسی می‌کنیم که در آن‌ها بخش دوگان‌سازی‌شده پایه یک CV است:

1. sağlam ⇒ *sap*sağlam -----⁴¹ «تندرست»
2. sarı ⇒ *sap*sarı «زرد روشن»
3. kızıl ⇒ *kıp*kızıl «خیلی قرمز»
4. karanlık ⇒ *kap*karanlık----- «تیره»
5. kuru ⇒ *kup*kuru «خشک خشک»
6. kara ⇒ *kap*kara «بسیار سیاه»
7. taze ⇒ *tapt*aze «کاملاً تازه»
8. canlı----- ⇒ *cap*canlı ----- «روشن»
9. dolu ⇒ *dop*dolu----- «کاملاً پُر»
10. yeni ⇒ *yepy*yeni «نو نو»

در داده‌های بالا، همخوان آغازی واژه پایه از آن جدا شده است و پس از افزوده شدن واج /p/ به آن، به صورت یک هجای CVC مختوم به p به آغاز پایه افزوده شده است و گونه‌ای تأکید یا شدت را به معنای پایه افزوده است. این فرایند دوگان‌سازی را می‌توانیم با فرمول زیر نشان دهیم:

$$X = (CV)^1 + p + x$$

در این فرمول X واژه حاصل عمل کردن فرایند دوگان‌سازی، x پایه و $(CV)^1$ هجای نخست پایه است.



در واژه‌های زیر، دسته دیگری از دوگان‌سازی‌های ناقص صفت‌های تأکیدی ترکی را می‌بینیم که با افزوده شدن واج /p/ انجام می‌شود:

1. ey «خوب» ⇒ epey «بسیار خوب»
2. aşık «روشن» ⇒ apaşık «خیلی مشخص»
3. üzün «ضعیف» ⇒ üpüzün ----
4. ıslak «خیس» ⇒ ipislak ----
5. eksi «ترش» ⇒ epeski ----
6. orta «میان/ وسط» ⇒ oportu
7. açık «باز» ⇒ apaçık «باز باز»
8. amız «ناگهانی» ⇒ apamız «خیلی ناگهانی»
9. ayrı «متفاوت» ⇒ apayrı «جداشده»
10. aydın «آیدین» ⇒ apaydın ----
11. ince «لاغر/ نازک» ⇒ ipince ----
12. ıssız «تنها و غمگین» ⇒ ipissız ----
13. ölgün «رنگ‌پریده» ⇒ öpölgün ----
26. uzun «دراز» ⇒ upuzun «خیلی خیلی دراز»

تفاوت این دسته از واژه‌های دوگان‌سازی‌شده با دسته پیشین در این است که در اینجا واژه آغازی پایه از آن جدا شده است و پس از افزوده شدن واج /p/ به آن، به پایه افزوده شده و ساخت دوگان‌سازی‌شده‌ای را شکل داده است که نسبت به پایه، معنایش تأکید بیشتری دارد. دوگان‌سازی در این دسته از واژه‌ها را می‌توانیم با فرمول زیر نشان دهیم:

$$X = (V)^1 + p + x$$

در این فرمول، $(V)^1$ واژه آغازی پایه است که به همراه p به آغاز آن افزوده می‌شوند و ساخت دوگان‌سازی‌شده را شکل می‌دهند. دو فرمول اخیر را می‌توانیم با هم ادغام کنیم و به فرمول کلی‌تر زیر برای دوگان‌سازی CV یا V آغازی $p +$ دست یابیم:

$$X = ((C) V)^1 + p + x$$

به نظر می‌رسد نمی‌توانیم قاعده آوایی مشخصی را پیدا کنیم که علت افزوده شدن یا درج /p/ را بین بخش دوگان‌سازی‌شده و پایه روشن کند؛ زیرا در این داده‌ها مواردی با همخوانی

بی‌واک، مواردی با همخوانی واکدار و مواردی با واکه آغاز شده‌اند. برای واژه شماره ۱ دسته نخست و داده‌های دیگر، می‌توانیم اشتقاقی از نوع زیر ارائه دهیم:

$$\begin{array}{ccccccc} \text{sağlam} & \text{sağlam} & & \text{p} & \text{sağlam} & \text{sapsağlam} & \\ \text{cv} + \text{p} + \text{|||||} & \Rightarrow \text{||} & + \text{||} & + \text{|||||} & \Rightarrow \text{|||||||} & = \text{sapsağlam} & \\ \text{cvcevc} & \text{cv} & & \text{c} & \text{cvcevc} & \text{cvcevc} & \end{array}$$

در موارد بسیار کمی، پس از /p/ در ساخت دوگان‌سازی شده واکه‌ای نیز افزوده می‌شود؛ مانند **güpeğündüz**، **capacanlı** و **sapaşağlam**؛ بنابراین فرمول آخر را می‌توانیم به صورت دقیق‌تر بازنویسی کنیم:

$$X = ((c) v)^1 + p(e, a) + x$$

۲-۲-۵. دوگان‌سازی CV آغازی + m

1. sıkı «فشرده‌شده» ⇒ **simsıkı** «به‌هم‌چسبیده»
2. soğuk «سرد» ⇒ **somsoğuk** -----
3. sıcak «داغ» ⇒ **simsıcak** -----
4. siyah «سیاه چون مو» ⇒ **simsiyah**
5. baska «کاملاً متفاوت» ⇒ **bambaska**
6. beyaz «سفید» ⇒ **bembeyaz** «بی‌نهایت سفید»
7. dazlak «کچل» ⇒ **damdazlak**
8. yeşil «سبز» ⇒ **yemyeşil** «خیلی سبز»
9. bark ----- ⇒ **bambark** -----
10. bok «کاملاً به درد نخور» ⇒ **bombok** «بی‌ارزش»
11. boş «تأمماً خالی» ⇒ **bomboş**
12. dar «باریک» ⇒ -----
13. dağ ----- ⇒ **damdağ** -----
14. düz «کاملاً تخت» ⇒ **dümdüz**
15. gök «آبی غلیظ» ⇒ **gömgök** «آبی آسمانی»

در داده‌های بالا، پایه‌های ۱ تا ۴ با همخوان بی‌واک /s/ و بقیه با همخوان واکدار آغاز شده‌اند؛ اما در هیچ موردی پایه با واکه آغاز نشده است. نکته قابل توجه این است که همه



پایه‌های بالا با همخوانی قدامی آغاز شده‌اند که از این نظر با /m/ اشتراکاتی دارند. در موارد ۱۰، ۱۱ و ۱۲ نیز همخوان آغازی پایه به لحاظ جایگاه تولید با /m/ مشترک است. برای فرایند دوگان‌سازی در واژه‌های دوگان‌سازی‌شده بالا، فرمول زیر را پیشنهاد می‌دهیم:

$$X = (cv)^1 + m + x$$

برای واژه نخست و واژه‌های دیگر این گروه نیز می‌توانیم اشتقاقی از نوع زیر را ارائه

دهیم:

$$\begin{array}{ccccccc} \text{siki} & \text{siki} & \text{m} & \text{siki} & \text{simsiki} & & \\ \text{cv} + \text{m} + \text{||||} \Rightarrow \text{||} & + \text{||} & + \text{||||} \Rightarrow \text{||||||} & = & \text{simsiki} & & \\ \text{cvcv} & \text{cv} & \text{c} & \text{evcv} & \text{evcevev} & & \end{array}$$

۳-۲-۵. دوگان‌سازی CV آغازی + s

در دسته دیگری از واژه‌های دوگان‌سازی‌شده ترکی، CV آغازی پایه از آن جدا می‌شود و پس از افزوده شدن واج /s/ به آن، به آغاز پایه افزوده می‌شود. این نوع دوگان‌سازی را در داده‌های زیر می‌بینیم:

1. toparlak «گرد» ⇒ **tostoparlak** «کاملاً گرد»
2. tamam «کامل» ⇒ **tastamam** «بهترین»
3. pembe «صورتی» ⇒ **pespembe** -----
4. koca «بزرگ» ⇒ **koskoca** «عظیم»
5. bütün «سراسر» ⇒ **büsbütün** «همگی»
6. bayağı «معمولی» ⇒ **basbayağı** «خیلی معمولی»
7. belli «واضح» ⇒ **besbelli** «شناخته‌شده»
8. mavi «آبی» ⇒ **masmavi** «آبی واقعی / خیلی آبی»
9. mor «رنگ بادنجانی غلیظ» ⇒ **mosmor** «رنگ بادنجانی»
10. doğru «راست» ⇒ **dosdoğru**⁴² «راست راست»
11. yuvarlak «گرد» ⇒ **yusyuvarklak** «کاملاً گرد»

در داده‌های مربوط به این نوع دوگان‌سازی، چهار مورد نخست با همخوانی بی‌واک و بقیه با همخوانی واکدار آغاز شده‌اند. در این داده‌ها نیز به استثنای یک مورد، پایه در موارد

دیگر با همخوانی قدامی آغاز شده است که مانند گروه پیشین، با واجی که بین بخش دوگان‌سازی شده و پایه قرار می‌گیرد، اشتراکاتی دارد. فرایند دوگان‌سازی این دسته از واژه‌ها را می‌توانیم با فرمول زیر نشان دهیم:

$$X = (cv)^1 + s + x$$

برای واژه نخست این گروه نیز مانند موارد دیگر، می‌توانیم اشتقاقی از نوع زیر را ارائه

دهیم:

$$\begin{array}{ccc} \text{toparлак toparлак} & s & \text{toparлак tostoparлак} \\ cv + s + \text{||||||} \Rightarrow \text{||} & + | + \text{||||||} \Rightarrow \text{||||||} & = \text{tostoparлак} \\ \text{cveveveve cv} & c & \text{cveveveve cveveveveve} \end{array}$$

۴-۲-۵. دوگان‌سازی CV آغازی + r

در دسته پایانی واژه‌هایی که در آن‌ها دوگان‌سازی ناقص دیده می‌شود، بین بخش دوگان‌سازی شده، یعنی CV آغازی و پایه، یک r قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که شمار واژه‌هایی که در آن‌ها این‌گونه دوگان‌سازی دیده می‌شود، از شمار واژه‌های گروه‌های دیگر کمتر است؛ این موضوع از مقایسه داده‌های زیر با داده‌های گروه‌های دیگر به خوبی آشکار می‌شود:

1. temiz «تمیز تمیز» ⇒ tertemiz
2. top «کاملاً گرد» ⇒ tortop
3. perişan «پریشان / آشفته» ⇒ perperişan -----
4. çabuk «خیلی سریع» ⇒ çarçabuk «سریع»
5. çıplak «لخت لخت» ⇒ cırçıplak

چنانکه معنای داده‌ها نشان می‌دهد، در این‌گونه دوگان‌سازی ناقص نیز فرایند دوگان‌سازی موجب تقویت معنای پایه شده است؛ برای نمونه، چنانچه ما واژه پایه شماره ۴ را در جمله Ebru çabuk koşar به کار ببریم، معنای جمله «ابرو تند می‌دود» خواهد بود؛ اما اگر صورت دوگان‌سازی شده آن، یعنی çarçabuk را در همین جمله به کار ببریم، معنای جمله «ابرو خیلی تند می‌دود» خواهد بود. از نظر محیط آوایی، همه واژه‌های پایه با همخوانی بی‌واک آغاز شده‌اند؛ اما در این گروه، افزون بر موارد بالا که فرایند دوگان‌سازی موجب تکرار CV آغازی و افزوده شدن آن به همراه واج /r/ به پایه می‌شود، در موارد اندکی پس از درج /r/ ترکیب /il/



نیز به بخش دوگان‌سازی شده افزوده می‌شود که نمونه‌های آن را در داده‌های زیر می‌بینیم:

1. sıklam ⇒ srılsıklam
2. çıplak ⇒ çvrıçlıplak
3. parça ⇒ «خرد شدن / تکه‌تکه شدن» paramparça «خُرده / تکه»

با توجه به داده‌های این بخش و با در نظر گرفتن دو مورد آخر، برای فرایند واژه‌های دوگان‌سازی شده زیر، می‌توانیم فرمول زیر را ارائه دهیم:

$$X = (cv)^1 + r(il, am) + x$$

اشتقاق نمونه ۱ این گروه نیز به صورت زیر است:

$$cv + r + \begin{array}{c} \text{temiz} \\ \text{cvcvc} \end{array} \Rightarrow \begin{array}{c} \text{temiz} \\ \text{cv} \end{array} + \begin{array}{c} r \\ c \end{array} + \begin{array}{c} \text{temiz} \\ \text{cvcvc} \end{array} \Rightarrow \begin{array}{c} \text{tertemiz} \\ \text{cvccvcvc} \end{array}$$

۶. تلویحات حاصل از بررسی داده‌ها

در بخش‌های ۱- و ۲- و ۵ دوگان‌سازی کامل و گونه خاصی از دوگان‌سازی ناقص را در زبان ترکی توصیف و بررسی کردیم. در این بخش برخی از تلویحاتی را که از این توصیف و بررسی حاصل شده است بیان کنیم تا هم به نتایج کلی‌تری برسیم و هم زمینه پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش را فراهم کنیم.

دانستیم که در زبان ترکی نیز مانند زبان‌های دیگر، دوگان‌سازی کامل که حاصل تکرار کامل یک واژه است بسیار دیده می‌شود. در برخی از این دوگان‌سازی‌ها، بخش دوگان‌سازی شده بدون تغییر آوایی تکرار می‌شود و در برخی دیگر، تغییر نظام‌مندی در آوای نخست بخش دوگان‌سازی شده روی می‌دهد که بسیار مانند اتباع در دستور سنتی زبان فارسی است. البته بین این‌گونه ساخت‌های دوگان‌سازی شده زبان ترکی و چگونگی ساخت آن‌ها تفاوت‌هایی با زبان فارسی دیده می‌شود که به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره کردیم. تمرکز بیشتر ما بر گونه‌ای از دوگان‌سازی ناقص بود که با توجه به داده‌هایی که در ۴ زیربخش مربوط به دوگان‌سازی ناقص بررسی کردیم، می‌توانیم فرمول زیر را برای تبیین آن ارائه کنیم. در این فرمول ساخت حاصل از فرایند دوگان‌سازی، x پایه، $(c)v$ همخوان و واکه یا واکه آغازی پایه و $/r/$ ، $/s/$ ، $/m/$ و $/p/$ همخوان‌هایی هستند که بین بخش دوگان‌سازی شده و پایه قرار می‌گیرند. a ، e ، il و am عناصری هستند که در موارد بسیار اندکی برخی از

واج‌هایی را که بین بخش دوگان‌سازی شده و پایه قرار می‌گیرند، همراهی می‌کنند:

$$X = ((c)v)^1 + \{p(e, a), m, s, r(il, am)\} + x$$

با توجه به اینکه بسیاری از ساخت‌های حاصل فرایند دوگان‌سازی در فرهنگ‌های ترکی ثبت شده‌اند، پایه و صورت دوگان‌سازی شده در چنین مواردی جداگانه در واژگان ذهنی گویشور ذخیره می‌شوند. به نظر می‌رسد این واقعیت که برای قرار گرفتن همخوان‌های چهارگانه (p, m, s, r) بین بخش دوگان‌سازی شده و پایه، در ساخت دوگان‌سازی شده، نمی‌توانیم هیچ محیط آوایی خاصی را پیش‌بینی کنیم، چنین گمانی را تقویت می‌کند. از سوی دیگر، با توجه به اینکه شماری از صورت‌های دوگان‌سازی شده در فرهنگ‌های ترکی ثبت نشده‌اند و تنها پایه آن‌ها در این فرهنگ‌ها دیده می‌شوند، بیان برخی معانی تأکیدی یا تشدید از راه دوگان‌سازی ناقص مورد توجه این پژوهش، همچنان در زبان ترکی زایا است. این گمان با توجه به اینکه گویشور بومی می‌تواند تقریباً از هر صفتی که به‌طور معمول معنای آن از راه این‌گونه دوگان‌سازی مورد تأکید قرار نمی‌گیرد یا تشدید نمی‌شود، ساخت دوگان‌سازی شده براساس فرمول اخیر تولید کند، تقویت می‌شود. در گونه‌های دیگر زبان ترکی نیز این‌گونه دوگان‌سازی ناقص دیده می‌شود. در این گونه‌های زبانی نیز در مواردی زایایی این فرایند کمتر شده است و تفاوت‌هایی در چگونگی عملکرد آن با ترکی استانبولی دیده می‌شود.

چنانکه گفتیم، نمی‌توانیم به هیچ تعمیم فراگیری اشاره کنیم که قرار گرفتن یکی از همخوان‌های چهارگانه را بین بخش دوگان‌سازی شده و پایه در ساخت دوگان‌سازی شده توجیه کند؛ اما توجه به موارد زیر می‌تواند در پژوهش‌های آینده (به‌ویژه در بررسی واج‌شناختی این پدیده زبانی در زبان ترکی) راهگشا باشد:

۱. بسامد مواردی که در آن‌ها واج /p/ بین پایه و بخش دوگان‌سازی شده قرار گرفته است از موارد دیگر بیشتر است و بسامد مواردی که در آن‌ها بین بخش دوگان‌سازی شده و پایه واج /r/ قرار گرفته است از موارد دیگر کمتر است؛

۲. از میان حدود ۶۰ ساخت دوگان‌سازی شده مورد توجه این مقاله، تنها در یک مورد همخوان قرار گرفته بین پایه و بخش دوگان‌سازی شده در ساخت پایه حضور داشته است (perperişan) و در داده‌های دیگر، این همخوان با هیچ‌یک از همخوان‌های پایه یکی نبوده است؛ همین باعث می‌شود در هیچ موردی به استثنای مورد گفته شده CVC یا VC دوگان‌سازی شده با cvc یا vc آغازی پایه یکی نباشد. تبیین واج‌شناختی و آوایی این موضوع نیز می‌تواند مبنای

یک پژوهش مستقل شود.

در دوگان‌سازی ناقص مورد نظر این مقاله، پس از عملکرد فرایند دوگان‌سازی، تکیه اصلی واژه به CVC دوگان‌سازی شده منتقل می‌شود. از سوی دیگر، فرایند دوگان‌سازی باعث تقویت و تشدید معنای پایه یا تأکید بر آن می‌شود. با استفاده از سازوکارهای زبانی دیگر هم می‌توانیم بر معنای واژگان در زبان ترکی تأکید یا آن را تقویت کنیم؛ اما قوت و شدت تأکید حاصل از این نوع دوگان‌سازی بیشتر است. با توجه به این نکته و اینکه در مواردی چون güpeğündüz و çınılıplak که در آن‌ها افزون بر همخوان قرار گرفته بین بخش پایه و بخش دوگان‌سازی شده، عناصر دیگری (در اینجا /il/ و /e/) بین آن دو قرار گرفته‌اند، به نظر می‌رسد دوگان‌سازی ناقص مورد نظر این پژوهش در زبان ترکی را باید در ارتباط با ساخت نوایی پایه و عوامل زبرنجیری گفتار نیز بررسی کنیم؛ این نکته از دید پژوهشگران پنهان نبوده است و برخی از آن‌ها اشاره کرده‌اند که «نوی گفتار»^{۴۳} نقش بسیار مهمی را در بسیاری از فرایندهای ساخت‌واژی بازی می‌کند و غیر ممکن است بتوانیم پدیده دوگان‌سازی را بدون شناخت راه‌هایی که از طریق آن‌ها نوی گفتار می‌تواند بر ساخت‌سازی^{۴۴} تأثیر گذارد، بشناسیم (Frampton, 2009: 1). این نکته مورد توجه مارانتز هم بوده است.

دوگان‌سازی ناقص مورد نظر در زبان ترکی، پیشوندی و آغازی است؛ اما با توجه به اینکه در این زبان پیشوند وجود ندارد و حتی برخی از پژوهشگران دوگان‌سازی را گونه‌ای پیشوندافزایی گفته‌اند (Lewis, 2000: 52; Göksel & Kerslake, 2005: 51)، این فرایند را باید به گونه‌ی دیگری تبیین و توصیف کنیم. بهتر است این فرایند به‌عنوان تکرار CV یا V آغازی پایه، به همراه یکی از همخوان‌های چهارگانه در نظر گرفته شود که گویشوران زبان ترکی با آگاهی شمی از رابطه تصویرگونگی^{۴۵} با معنا، در ساخت‌های دوگان‌سازی شده‌ای از این دست، به آن مبادرت می‌کنند^{۴۶}؛ بنابراین در تبیین این فرایند دوگان‌سازی، باید به تصویرگونگی نیز توجه کنیم.

۷. نتیجه‌گیری

دوگان‌سازی یک پدیده زبانی جهانی است که برخی از انواع آن تنها در برخی زبان‌ها دیده می‌شوند؛ بنابراین با هدف ارائه تبیینی فراگیر از این پدیده و شناخت جنبه‌های مختلف آن،

باید به زبان‌های مختلف رجوع کنیم. در این مقاله این پدیده در زبان ترکی را بررسی کردیم. دوگان‌سازی کامل و نوعی از آن که به پدیده زبانی موسوم به اتباع در زبان فارسی همانند است، سازوکار و عملکردی شبیه زبان‌های دیگر، به‌ویژه زبان فارسی دارد؛ اما گونه‌ای از دوگان‌سازی ناقص در زبان ترکی دیده می‌شود که در مورد صفت‌ها و شماری از قیده‌ها عمل می‌کند و موجب تقویت معنایی آن می‌شود. برای پاسخ‌گویی به پرسش دوم پژوهش، پس از بررسی داده‌ها دانستیم که می‌توانیم این‌گونه دوگان‌سازی را با توجه به واجی که میان بخش دوگان‌سازی‌شده و بخش پایه قرار می‌گیرد، در قالب فرمول‌هایی بیان کرد و فرمولی کلی برای این فرایند دوگان‌سازی ارائه داد. با این همه، برای تبیین دقیق دلیل قرار گرفتن واج‌های چهارگانه میان بخش دوگان‌سازی‌شده و بخش پایه، انجام پژوهش‌های دیگر، به‌ویژه با توجه به تعامل ساخت‌واژه و واج‌شناسی در این حوزه لازم است. برای تبیین دقیق‌تر این‌گونه دوگان‌سازی، نیازمند بررسی داده‌ها با توجه به کارکردهای تصویرگونگی و سطوح زبرنجیری کلام هستیم و بر پایه آنچه به نقل از خان^{۴۷} (۲۰۰۶) آوردیم، تبیین دقیق این پدیده با اصولی چون پرهیز از یکسانی واج نخست پایه با عناصر بخش دوگان‌سازی‌شده نیز مرتبط است.

۸. پی‌نوشت‌ها

1. reduplication in Turkish
۲. نگارنده بر خود واجب می‌داند که از دوست عزیز، آقای Döğan özlük که در آموزش ترکی استانبولی حق استادی بر وی دارد، برای در اختیار گذاشتن برخی داده‌ها و ارائه برخی نکته‌ها و پیشنهادها درباره موضوع و مطالب مقاله، صمیمانه سپاسگزاری کند.
3. reduplication
4. copying
5. transcription
6. RNA
7. DNA
8. marker
9. transcription factor
10. molecular diacritic
11. morphemic piece
12. non- concatenative



13. autosegmental
14. emphatic reduplication
15. m- reduplication
16. doubling
17. complete and partial reduplication
18. reduplicating affix
19. Agta
20. plurality
21. agglutinative

۲۲. صفت‌های تأکیدی

23. vowel harmony
24. nominative
25. accusative
26. genitive
27. dative
28. locative
29. ablative

۳۰. یکی از منابع قدیمی و معتبر دربارهٔ آرایش واژگانی زبان ترکی ارگوانلی (1984) است.

31. unmarked
32. word formation
33. phonetic

۳۴. از دوست گرامی، دکتر بهروز بیک بابایی، متخصص زبان‌شناسی ترکی، برای ارائهٔ نکاتی دربارهٔ داده‌های این قسمت و برخی مطالب دیگر پژوهش، سپاسگزاری می‌کنم.

۳۵. با توجه به اینکه دوگان‌سازی کامل پدیده‌ای جهانی است، طبیعی است که در دیگر گونه‌های ترکی، از جمله در ترکی‌های ایران هم دیده شود؛ برای نمونه، در گونهٔ ترکی شهرهای خوی و ماکو، دوگان‌سازی‌های کاملی چون «گاماس‌گاماس» به معنی قدم به قدم، «آدیم‌آدیم» به معنی گام به گام، «دامجی‌دامجی» به معنی قطره‌قطره و ... را می‌بینیم. این داده‌ها و دسته‌دیگری از داده‌ها را که در بخش‌های دیگر این مقاله از ترکی خوی- ماکو ارائه کردیم، دوست گرامی، آقای بهزاد عبادی که خود گویشور گونهٔ ترکی خوی- ماکو است، در اختیار نگارنده قرار داده است. از لطف این دوست گرامی سپاسگزاری می‌کنم.

۳۶. در زبان فارسی در این‌گونه موارد، صورت دوگان‌سازی‌شده به گونه‌ای تولید می‌شود که همخوان آغازی واژهٔ پایه با بخش دوگان‌سازی‌شده یکی نباشد؛ به همین دلیل در زبان فارسی از سوی کتاب‌متاب داریم و از سوی میوه‌پیوه. خان به این فرایند «پرهیز از یکسانی [واج نخست پایه و بخش دوگان‌سازی‌شده]» (identity avoidance) گفته است و نمونه‌هایی از زبان‌های مختلف، از جمله فارسی و ترکی را برای تبیین فرایند آورده است. وی حتی قرار گرفتن یکی از همخوان‌های

چهارگانه بین بخش دوگان‌سازی شده و پایه در دوگان‌سازی ناقص مورد نظر ما را بر مبنای فرایند پرهیز از یکسانی بیان می‌کند؛ بدین معنی که باور دارد همخوانی بین بخش دوگان‌سازی شده و پایه قرار می‌گیرد که کمترین شباهت را به همخوان‌های پایه داشته باشد (Khan, 2006: 20).

37. Reduplicative form

38. Noun compounds

۳۹. در گونه‌های رایج ترکی در ایران نیز این‌گونه دوگان‌سازی ناقص دیده می‌شود؛ اما ممکن است همخوانی که میان بخش دوگان‌سازی شده و بخش پایه قرار می‌گیرد، متفاوت باشد، برای نمونه، در گونه ترکی که در شهر آوج به کار برده می‌شود، گاه بین بخش دوگان‌سازی شده و بخش پایه واج /b/ قرار می‌گیرد و شاهد دوگان‌سازی‌های ناقصی چون «قاب‌قارا»، «آب‌آق»، «ساب‌سارو»، «شیب‌شیرین»، «شب‌شور» و ... هستیم که فرایند دوگان‌سازی بیشتر در مورد رنگ‌واژه‌ها و واژه‌های مربوط به مزه‌های مختلف عمل کرده است و موجب تقویت معنای آن‌ها شده است. این فرایند در مورد واژه‌های دیگر زبان هم روی می‌دهد؛ مانند «سُپ‌سویخ»، «اوب‌اوجا»، «زیب‌زنگ»، «تب‌تمیز»، «ناب‌نازیک»، «یُب‌یوقون»، «یاب‌یاخون»، «اوب‌اوزون»، «ایب‌ایشیق»، «گیب‌گیلدر» و در مواردی واجی که بین بخش دوگان‌سازی شده و بخش پایه قرار می‌گیرد /m/ است؛ مانند «بوم‌بوز»، «بام‌بالاجا»، «بم‌برک» و در برخی موارد، واج‌های /b/ و /m/ را می‌توان در یک ساخت دوگان‌سازی شده به کار برد و آن‌ها را جایگزین یکدیگر کرد؛ مانند «داب/ دام داغ»، «یاب/ یام یاشیل»، «تُب/ تُم ترش»، «دوب/ دوم دورو»، «دَب/ دُم دولو»، «یوب/ یوم یوموشاق» و داده‌های ترکی آوجی را دوست گرامی، آقای نقی هاشمی، دانشجوی دکتری ادبیات فارسی در اختیار نگارنده قرار داده است. از این دوست گرامی سپاسگزاری می‌کنم.

۴۰. نکته قابل توجه دیگر این است که در زبان فارسی و در برخی از گویش‌های زبان‌های دیگر ایرانی نیز داده‌هایی مانند دوگان‌سازی ناقص مورد نظر این مقاله در ترکی دیده می‌شود که ممکن است تحت تأثیر زبان ترکی ساخته شده یا از این زبان قرض گرفته شده باشند. از جمله این داده‌ها در فارسی معیار «تَر‌تازه» و «سرسبز» هستند. بدیهی است که اظهار نظر درباره چنین داده‌هایی نیازمند انجام پژوهشی علمی است و نگارنده در اینجا تنها یک احتمال را مطرح کرده است.

۴۱. ارائه نکردن معنای ساخت دوگان‌سازی شده در این بخش، به معنی ثبت نشدن آن در فرهنگ واژگان است. معنی این‌گونه واژه‌ها نیز بر مبنای همان قاعده کلی که در مورد این‌گونه ساخت‌های دوگان‌سازی شده در ترکی وجود دارد، با گونه‌ای تقویت و تأکید معنایی همراه است؛ برای نمونه، معنی واژه *sapsağlam* «تندرست تندرست» و معنی *kapkaranlık* «تیره تیره» است.



۴۲. در ترکی آذری (گونه خوی-ماکو)، این واژه به صورت «دوپ‌دوغرو» تولید می‌شود. در این گونه ترکی، واژه دوگان‌سازی‌شده «یاپیالان»، به معنی دروغ دروغ را با همین سازوکار داریم.

43. Prosody

44. Structure building

45. Iconicity

46. Khan

۴۷. درباره مورد تصویرگونگی دوگان‌سازی‌ها در زبان فارسی به‌طور خاص، نک. گلغام و محیی‌الدین قمشه‌ای (۱۳۹۱).

۹. منابع

- انوری حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۸۸). *دستور زبان فارسی*. ۲. ویرایش ۳. چ ۵. تهران: فاطمی.
- بلومفیلد، لیونارد (۱۳۷۹). *زبان*. ترجمه علی محمد حق‌شناس. تهران: نشر دانشگاهی.
- حسین‌زاده، طوبی (۱۳۸۲). *فعل مرکب در زبان ترکی و اشتقاق‌های حاصل از آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حیدری، عبدالحسین و افسر روحی (۱۳۹۱). «قلب نحوی در زبان ترکی آذری براساس مدل کاوشگر- هدف برنامه کمینه‌گرایی». *مجله علمی- پژوهشی جستارهای زبانی*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- سایپر، ادوارد (۱۳۷۶). *زبان: درآمدهای بر مطالعه سخن گفتن*. ترجمه علی محمد حق‌شناس. تهران: سروش.
- شقاقی، ویدا (۱۳۷۹). «فرایند تکرار در زبان فارسی». *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی نظری کاربردی*. ج ۱. صص ۵۱۹-۵۳۳.
- شقاقی، ویدا و ته‌مین حیدرپور بیدگلی (۱۳۹۰). «رویکرد نظریه بهیگی به فرایند تکرار با نگاهی بر واژه‌های مکرر فارسی». *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*. س ۳. ش ۱. صص ۴۵-۶۶.
- صادقی، نیارکی (۱۳۷۴). *وندهای تصریفی و اشتقاقی زبان ترکی با تکیه بر گویش نیارکی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی

- و مطالعات فرهنگی.
- کلباسی، ایران (۱۳۵۸). «ساخت آوایی اتباع در زبان فارسی». دفتر دوم هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی. صص ۷۲-۶۳.
 - ----- (۱۳۷۱). *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
 - گلفام، ارسلان و غلامرضا محیی‌الدین قمشه‌ای (۱۳۹۱). «تصویرگونگی دوگان‌ساخت‌ها در زبان فارسی: طبقه‌بندی معنایی». *مجله علمی- پژوهشی جستارهای زبانی*. د ۳. ش ۱. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
 - محمودی بختیاری، بهروز و فرزانه تاج‌آبادی (۱۳۹۱). «مقوله اتباع در لغت‌نامه دهخدا (یک بررسی مجدد)». *مجله علمی- پژوهشی جستارهای زبانی*. د ۳. ش ۳. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
 - وزین‌پور، نادر (۱۳۴۵). *بررسی افعال در زبان و مقایسه با افعال فارسی ترکی*. پایان‌نامه دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی. تهران: دانشگاه تهران.

Reference:

- Anvari, H. & H. A. Givi (2009). *Persian Language Grammar 2*. Third Edition. Tehran: Fatemi Publications [In Persian].
- Bakhtiari M. & et. al., (2012). "Echo reduplication in dekhoda dictionary: a new study". *Scientific Research Journal of Language Related Research*. 3 (3). Tehran: Tarbiat Modares University [In Persian].
- Bauer, L. (1989). *Introducing Linguistic Morphology*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Bloomfield, L. (2001). *Language*. Translated by: Ali- Mohamad Haghshenas. Tehran: Nashre Daneshgahi Publications [In Persian].
- Botha, R. P. (1988). *Form and Meaning in Word Formation: A Study of Word Formation*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bussmann, H. (1996). *Routledge Dictionary of Language and Linguistics*.



Translated and Edited by: Gregory P. Trauth & Kerstin Kazzazi. London: Routledge.

- Erguvanli Eser, E. (1984). *The Function of Word Order in Turkish Grammar*. Berkeley: University of California Press.
- Frampton, J. (2009). *Distributed Reduplication*. Cambridge: The MIT Press.
- Golfam, A. & G. M. Mohiedin Ghomshei (2012). "Iconicity of reduplicative constructions in Persian: Semantic types". *Scientific Research Journal of Language Related Research*. 3 (1). Tehran: Tarbiat Modares University [In Persian].
- Göksel, A. & C. Kerslake (2005). *Turkish: A Comprehensive Grammar*. London: Routledge.
- Haugen, J. D. (2008). *Morphology at the Interfaces: Reduplication and Noun Incorporation Uto- Aztecan*. Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Heydari, A. & R. Afsar (2012). "Scrambling in Azari Turkish based on probe goal model of minimalism". *Scientific Research Journal of Language Related Research*. Tehran: Tarbiat Modares University [In Persian].
- Hony H. C. (1967). *A Turkish- English Dictionary*. Oxford: Clarendon Press.
- Hoseinzade, T. (2004). "Compound verb and its derivatives in Turkish language". M.A. Dissertation in Linguistics. Tehran: Institute for Cultural Studies and Humanities [In Persian].
- Inkelas, Sharon & Cheryle Zoll (2005). *Reduplication: Doubling in Morphology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kalbasi, I. (1979). "Structure of phonetic reduplication in Persian". *Second Volume of the Proceedings of the Eighth Congress of Iranian Studies*. Pp. 63- 72 [In Persian].
- ----- (1993). *Structure of Derivative Words in Contemporary Persian*. Tehran: Institute for Cultural Studies and Researches [In Persian].

- Khan, S. D. (2006). *Similarity Avoidance in Bengali Fixed- Segment Reduplication*. A thesis submitted in partial satisfaction of the requirements for the degree Master of Arts in linguistics. Los Angeles: University of California.
- Kornfilt, J. (1997). *Turkish*. London: Routledge.
- Lewis, G. (2000). *Turkish Grammar*. Second edition. Oxford: Oxford University Press.
- Marantz, A. (1982). "Re reduplication". in *Linguistic Inquiry*. 13: Pp. 435- 82.
- ----- (1994). "Reduplication". In *The Encyclopedia of Language and Linguistics*. Editor- in-chief R. E. Asher; Rad to Soc. Vol. 7. Pp. 7- 3486.
- ----- (1982). "Re Reduplication". In *Linguistic Inquiry*. Vol. 13. No. 3. pp. 82- 435.
- Matheews, P. H. (1991). *Morphology*. Second edition. Cambridge: Cambridge University Press.
- McCarthy, J. J. & A. S. Prince (1993). *Prosodic Morphology I: Constraint Interaction and Satisfaction*. Ms, University of Massachusetts-Amherst and Rutgers University.
- ----- (1995). "Faithfulness and Reduplicative Identity". In *University Of Massachusetts Occasional Papers in Linfuistics18: Papers in Optimality Theory*, Jill Beckman, Laura Walsh Dickey and Suzanne Urbanczyk (eds). Pp. 249- 384, Amherst, M.A: Graduate Linguistics Students Association.
- Nameth, J. (1962). *Turkish Grammar, English Adaption of the German Original*. By: T. Halsal- Kun, Germany: Mouton & Co.
- Niyaraki, S. (1996). "Derivative and inflectional suffixes in Turkish. with an emphasis on Niyaraki dialect". M. A. Dissertation in Linguistics. Tehran: Institute for Cultural Studies and Humanities[In Persian].
- Redhouse, J. W. (1884). *Simplified Grammar of Ottoman- Turkish Language*. London: Trubner & CO., Ludgate Hill.
- Sappier, E. (1989). *Language: An Introduction to the Study of Speech*. Translated



- by: Ali- Mohamad Haghshenas. Tehran: Soroush Publications [In Persian].
- Sebüktekin, H. I. (1971). *Turkish- English Contrastive Analysis*. Paris: Mouton The Hague.
 - Shaghghi, V. (2001). "Reduplication in Persian language". *Proceedings of the Forth Conference on Theoretical Applied Linguistics*. Vol. 1. Pp. 519- 33[In Persian].
 - ----- & T. Haidar Pour Bidgoli (2011). "The approach of optimality theory to reduplication in Persian". *Researches in Linguistics*. 3 (1). Pp. 45- 66 [In Persian].
 - Spenser, A. (1991). *Morphological Theory: An Introduction to Word Structure in Generative Grammar*. Cambridge: Basill Blackwell.
 - Stonham, J. T. (1994). *Combinational Morphology*. Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
 - Tekin, T. (1994). "Turkish". In *The Encyclopedia of Language and Linguistics*. Tab to Zor. Editor- in-chief R.E. Asher. Vol. 9. Pp. 7- 4785.
 - Vazinpur, N. (1966). *A Study of Verbs and Their Comparison with Persian-Turkish Verbs*. Ph.D. Thesis in Persian Language and Literature. Tehran: University of Tehran [In Persian].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی